



Investigating the moderating role of people's age in the relationship between marriage duration and self-coherence with family performance of women on the verge of divorce in two stages of the life cycle

Ebrahim Nameni ^{*1} | Mahdieh Behboudian ²

1. Associate Professor of Counseling, Department of Educational Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. Email: a.namani@hsu.ac.ir
2. Master of Family Counseling, Bayhaq Non-Governmental-Non-Profit Higher Education Institute, Sabzevar, Iran. Email: encounseling79@gmail.com

Abstract

One of the determining factors in the occurrence of divorce is family functioning. As far as can be said, the optimal functioning of the family is related to the conflict resolution styles used by family members to solve problems and prevents couple burnout. Considering the importance of family functioning in the occurrence of divorce, the present study aims to investigate the moderating role of people's age in the relationship between the duration of marriage and their cohesion with family functioning in women on the verge of divorce in two stages of the life cycle (before the birth of a child and after birth of a child) was done. The present research method was descriptive and correlation type. The statistical population of this research included all the women on the verge of divorce who referred to counseling clinics in Sabzevar city in the fall of 2022. 270 people were selected as the sample of the research by available sampling method and in two groups of 135 people in the first years of life. Shared and divided before the birth of the child and also after the birth of the child. The data collection tool was an individual-demographic questionnaire (information on age and length of marriage), family functioning (Epstein, Baldwin and Bishab (1983) and the self-coherence scale of the victim, Watson and Hargis (2008). Analysis of findings was done using structural equations. Data processing and hypothesis testing were done using spss-v22 and Smart-pls3 software. The results obtained from structural equation modeling indicate that there is a significant difference between the moderating role of age in the relationship between self-cohesion and family functioning in both groups, and only in the group after the birth of a child, age plays a role in the relationship between self-cohesion and family functioning, acted as a moderator ($p > 0.05$, $\beta = 0.11$); However, age did not have a moderating role in the relationship between cohesion and family functioning in the group before the birth of a child ($p < 0.05$, $\beta = -0.04$). Also, the results showed that the relationship between the duration of marriage and family performance in both groups before the birth of a child ($p < 0.05$, $\beta = -0.02$) and after the birth of a child ($p < 0.05$, $\beta = 0.02$) does not have a moderating role and there is no difference in this regard between the two groups. Considering the moderating role of age in the relationship between self-cohesion and family functioning, it is suggested that counselors, clinical psychologists and therapists use compassion therapy, which is one of the treatments that affect self-cohesion, to improve health-related characteristics, especially increasing self-cohesion..

Keywords: Self-coherence, Women on the Verge of Divorce, Age, Length of Marriage, Family Function..

Volume info

Vol. 21
Series: 75
Summer 2026

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
06 March 2024
Revised:
14 December 2024
Accepted:
08 September 2025
Published:
22 June 2026

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2645-4955
E-ISSN: 2645-5269



Cite this Paper: Nameni 'A & Behboudian' M.(2026). Investigating the moderating role of people's age in the relationship between marriage duration and self-coherence with family performance of women on the verge of divorce in two stages of the life cycle. Journal of The Women and Families Cultural-Educational. 21(75), 11-39



Publisher:
Imam Hossein University.

©
The Author(s).



بررسی نقش تعدیل گر سن افراد در رابطه مدت زمان ازدواج و انسجام خود با عملکرد خانواده زنان در آستانه طلاق در دو مرحله از چرخه زندگی

ابراهیم نامنی^{۱*} | مهدیه بهبودیان^۲

Email: a.namani@hsu.ac.ir

۱. دانشیار مشاوره، گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

Email: encounseling79@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، موسسه آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی بیهق، سبزوار، ایران

چکیده

یکی از عوامل تعیین کننده در بروز طلاق، عملکرد خانوادگی است. آنچنانکه می‌توان گفت، عملکرد مطلوب خانواده با سبک‌های حل تعارضی که اعضاء خانواده برای حل مشکلات استفاده می‌کنند، رابطه داشته و از فرسودگی زوجین جلوگیری می‌کند. با توجه به اهمیت عملکرد خانواده در بروز طلاق، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعدیل کننده سن افراد در رابطه مدت زمان ازدواج و انسجام خود با عملکرد خانواده زنان در آستانه طلاق در دو مرحله از چرخه زندگی (قبل از تولد فرزند و بعد از تولد فرزند) انجام شد. روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه زنان در آستانه طلاق مراجعه کننده به کلینیک‌های مشاوره شهر سبزواری در پاییز سال ۱۴۰۱ بود که ۲۷۰ نفر به عنوان نمونه ی پژوهش به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه فردی-دموگرافیک (اطلاعات سن و طول مدت ازدواج)، عملکرد خانواده (اپشتاین، بالدوین و بیشاب ۱۹۸۳) و مقیاس انسجام خود قربانی، واتسون و هرگیس (۲۰۰۸) بود. برای تحلیل داده‌ها از مدل‌های معادلات ساختاری استفاده شد. پردازش اطلاعات و بررسی فرضیه‌ها با استفاده از نرم افزارهای spss22 و Smart-pls3 صورت گرفت. نتایج به دست آمده از مدل‌های معادلات ساختاری حاکی از آن است تفاوت معنی داری بین نقش تعدیل کننده سن در رابطه انسجام خود با عملکرد خانواده در هر دو گروه وجود دارد، و تنها در گروه بعد از تولد فرزند سن در رابطه انسجام خود با عملکرد خانواده نقش تعدیلگر ایفا نمود ($\beta=0/11, p<0/05$)؛ ولیکن سن در رابطه انسجام خود با عملکرد خانواده در گروه قبل از تولد فرزند نقش تعدیل کننده نداشت ($\beta=-0/04, p>0/05$). همچنین، نتایج نشان داد، سن در رابطه طول مدت ازدواج با عملکرد خانواده در هر دو گروه قبل از تولد فرزند ($\beta=-0/02, p>0/05$) و بعد از تولد فرزند ($\beta=0/02, p>0/05$) نقش تعدیل کننده ندارد و تفاوتی در این خصوص بین دو گروه وجود ندارد. با توجه به نقش تعدیل کننده سن در رابطه انسجام خود با عملکرد خانواده پیشنهاد می‌شود، مشاوران، روانشناسان بالینی و درمانگران از روش شفقت درمانی که از درمان‌های اثرگذار بر انسجام خود است، برای بهبود ویژگی‌های مرتبط با سلامت به ویژه افزایش انسجام خود استفاده کنند.

کلیدواژه‌ها: انسجام خود، زنان در آستانه طلاق، سن، طول مدت زمان ازدواج، عملکرد خانواده.

سال و شماره

سال ۲۱، پیاپی: ۷۵

تابستان ۱۴۰۵

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۴۶۴۵-۴۹۵۵

الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۶۹



استناد: نامنی، ابراهیم، بهبودیان، مهدیه (۱۴۰۵). بررسی نقش تعدیل گر سن افراد در رابطه مدت زمان ازدواج و انسجام خود با عملکرد خانواده زنان در آستانه طلاق در دو مرحله از چرخه زندگی؛ فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده؛ ۲۱ (۷۵): ۳۹-۱۱.

مقدمه

امروزه طلاق^۱ به دلیل انتقال جامعه سنتی به مدرن و افزایش مشکلات ناشی از این انتقال رو به افزایش است (ولئی و همکاران، ۱۳۹۹)؛ به عنوان نمونه، نرخ کلی طلاق در ایالات متحده (ایالات متحده) از دهه ۱۹۸۰ در حال کاهش بوده است، اما امروزه همچنان بالا است (رالی و اسوینی^۲، ۲۰۲۰؛ اسموک و شوارتز^۳، ۲۰۲۰). به طور کل می توان گفت، میزان طلاق در دهه های اخیر در جهان افزایش یافته است و شیوع آن در کشورهای غربی به بیش از ۵۰ درصد رسیده است (تاسی و وان در بروک^۴، ۲۰۲۰). جامعه ی ایران نیز در سال های اخیر شاهد افزایش آمار طلاق بوده است؛ طوری که بر اساس آمارهای جمعیتی سازمان ثبت احوال، نسبت طلاق به ازدواج از میزان ۰/۱۲ در سال ۱۳۸۶ به ۰/۲۹ در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است (روشنی و همکاران، ۱۳۹۸). قدرتی و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه خود عنوان نمودند، نسبت طلاق به ازدواج در کل کشور رو به افزایش است. در این بین شهر سبزوار از جمله شهرهایی است که در سال های اخیر با افزایش طلاق مواجه شده است؛ به گونه ای که نسبت طلاق به ازدواج از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ از ۱۷/۵ درصد به ۲۵/۸ درصد افزایش یافت. نتایج مطالعه اسپیک و مورتلمنز^۵ (۲۰۲۱) نشان داد، عوامل مختلفی مانند رفتارهای متضاد و مخرب و نگرش هایی که افراد نسبت به زندگی اتخاذ می کنند، افراد را به مرز طلاق می رساند؛ ولیکن به نظر می رسد یکی از عوامل تعیین کننده در بروز طلاق، عملکرد خانوادگی است. آنچنانکه نتایج تحقیقات میرزاده کوه شاهی و همکاران (۲۰۱۹) نشان داد که عملکرد ضعیف خانواده می تواند منجر به کیفیت پایین زندگی و کاهش شادی و رضایت از زندگی در زوجین متقاضی طلاق شود. عملکرد خانواده بر بهزیستی فردی تأثیر می گذارد؛ به طوری که افزایش سطح حمایت اجتماعی در خانواده ها باعث افزایش کیفیت زندگی همه افراد می شود. در واقع عملکرد خانواده به اعضای خود کمک می کند تا هنگام مدیریت تجربیات دشوار و آسیب زای زندگی بهتر عمل کنند (دیاموند^۶ و همکاران، ۲۰۱۸). هنگامی که خانواده به خوبی

1. Divorce
2. Raley & Sweeney
3. Smock & Schwartz
4. Tosi & van den Broek
5. Spikic & Mortelmans
6. Diamond

عمل می‌کند، حس رضایتمندی را در افراد تقویت نموده و با ایجاد توانایی‌های حل مسئله در خانواده، راه گشای مشکلات خواهد بود (لیما سیلوا^۱ و همکاران، ۲۰۱۷).

منظور از عملکرد خانواده^۲، توانایی خانواده در هماهنگی یا تطابق با تغییرات ایجاد شده در طول حیات، حل تضادها و تعارض‌ها، همبستگی بین اعضاء و موفقیت در الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد و اجرای مقررات و اصول حاکم بر آن با هدف حفاظت از نظام خانواده و حفظ تعادل آن است (پان^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). با توجه به مطالب مطرح شده در خصوص اهمیت مطالعه عملکرد خانواده در زوجین در آستانه طلاق و با توجه به اینکه در خانواده‌های با عملکرد پایین مشکلات عدیده‌ای وجود دارد که می‌تواند آسیب‌های روانی را برای اعضای آن به وجود آورد (آجیلی لاهیجی و بشارت، ۲۰۱۹)، به همین دلیل در این پژوهش محقق به دنبال عوامل تعیین کننده و پیشینی کننده عملکرد خانواده در راستای بهبود سلامت فردی و اجتماعی می‌باشد.

به نظر می‌رسد یکی از عوامل اثرگذار بر عملکرد خانواده زنان در آستانه طلاق، مؤلفه انسجام خود باشد؛ چرا که به اعتقاد آنتونوسکی^۴ (۱۹۹۶) نظریه پرداز انسجام می‌توان گفت، افراد با انسجام بالا از سازگاری و انعطاف پذیری شناختی بیشتری در رابطه با کنترل و مواجهه با تنش برخوردار است. در تأیید تأثیر انسجام خود بر عملکرد خانواده، میلر و ورهینگن^۵ (۲۰۲۲) و هارلی^۶ و همکاران (۲۰۱۸) عنوان نمودند که ارتباط صمیمی و همدلانه در بین اعضاء خانواده فراهم نمی‌گردد، مگر زمانی که آن‌ها به فاکتور انسجام خود دست یافته باشند در همین راستا، خانی و آقایی (۲۰۲۲) عنوان نمودند افراد با افزایش و ارتقای انسجام خود می‌توانند راهبردهای رضایت زناشویی را در خود تقویت کرده و در نتیجه رضایت از زندگی خود را افزایش دهند. انسجام خود، مشتمل بر سازگاری با رویدادهای زندگی گذشته و افراد پیرامون است و در یافتن نظم و معنا، پذیرفتن چرخه زندگی و احترام به خود هویدا می‌شود (لی^۷، ۲۰۲۰). این ویژگی یک منبع شخصی رشد دهنده است که به عنوان یک ساختار شناختی در فرآیند ادراک محیط مورد استفاده قرار می‌گیرد (مک

1. Lima Silva
2. Family functioning
3. Pan
4. Antonovsky
5. Miller & Verhaeghen
6. Hurley
7. Lee

گی^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). به عبارت دیگر می‌توان گفت، انسجام خود، به عنوان آگاهی لحظه به لحظه نسبت به حالات روانشناختی و توان تمایز نهادن و تحلیل محتوای تجارب کنونی و نیز پردازش شناختی فعال در مورد خود و معطوف به رویدادهای گذشته که نتیجه آن ایجاد دید وسیع جهت هدایت رفتار است، تعریف می‌شود (کمپل^۲، ۲۰۲۱). سه عامل برای این مفهوم وجود دارد: ادراک‌پذیری، درک فرد از اینکه بحران‌ها، ساختارمند و آشکارند؛ کنترل‌پذیری، باور فرد به اینکه توانایی لازم برای مواجهه با تنش‌های زندگی را دارد و در نهایت معناداری، بدین معنی که در دل هر بحرانی که برای فرد پیش می‌آید معانی‌ای نهفته است که ارزش درگیری با آن بحران را دارد (براون-لوونسون^۳ و همکاران، ۲۰۱۷).

علاوه بر مؤلفه انسجام خود، به نظر می‌رسد، طول مدت ازدواج نیز بر عملکرد خانوادگی زنان در آستانه طلاق اثرگذار باشد. زیناه^۴ و همکاران (۲۰۱۲) عنوان نمودند، میزان سازگاری و کنار آمدن زوجین با مشکلات احتمالی که در ازدواجشان پیش می‌آید و رضایت زناشویی آنها، می‌تواند تحت تأثیر سال‌هایی که از ازدواج آنها می‌گذرد، قرار بگیرد. رشید و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی که بر روی عوامل جمعیت شناختی مؤثر بر کیفیت زندگی زناشویی انجام دادند به این نتیجه رسیدند که از بین عوامل جمعیت شناختی، طول مدت ازدواج تأثیر بسیار زیادی بر کیفیت زندگی زناشویی دارد. با عنایت به مطالب عنوان شده و رابطه سن با سازگاری زناشویی، محقق در این پژوهش در پی عواملی است که بتواند روابط بین سن با سازگاری زناشویی را میانجی‌گری نماید؛ طبق نتایج پژوهش‌های گوناگون یکی از عواملی که به طور مستقیم بر ناسازگاری زناشویی و طلاق اثرگذار است، سن افراد هنگام ازدواج است (بایلی^۵ و همکاران، ۲۰۲۱). در همین راستا، روتز^۶ (۲۰۱۶) عنوان نمود ازدواج در سنین پایین به دلیل مشکلات جسمانی و مالی ناپایدار بوده و منجر به طلاق می‌شود. اعظمی (۱۴۰۰) در پژوهشی عنوان نمودند که بین سن و سازگاری زناشویی رابطه مثبتی دارد؛ بدین معنی که با افزایش سن ازدواج که در حال حاضر برای مردان ۲۵ سالگی و

1. Mc Gee
2. Campbell
3. Braun-Lewensohn
4. Zainah
5. Bailey
6. Rotz

برای زنان ۲۳ سالگی است، سازگاری و رضایت از زندگی مشترک بالاتر می‌رود؛ چرا که در این سن افراد به سطح متعادلی از بلوغ جسمی و روانی رسیده‌اند.

بر اساس مفهوم مراحل چرخه زندگی می‌توان اینگونه استنباط نمود که در هر سنی از زندگی افراد به دنبال تحقق یک سری اهداف هستند و آماده پذیرش تغییرات جدید می‌شوند. در واقع، سن به عنوان یک شاخص از تغییراتی که در زندگی رخ می‌دهند، در نظر گرفته می‌شود. اما این شاخص به تنهایی نمی‌تواند بیانگر ماهیت تغییر وضعیت افراد در مراحل مختلف چرخه زندگی خانوادگی باشد. در چرخه زندگی خانوادگی، اصطلاحی با نام شاخص مرحله ای خانواده وجود دارد. از آنجایی که خانواده یک سیستم در حال رشد و تحول است، نیاز است با نقش‌ها و وظایفی که در هر مرحله از حیات آن رخ می‌دهد، سازگار شوند و از عهده آن‌ها برآید. رشد و تکامل خانواده در هر مرحله وابسته به انجام وظایف و مسئولیت‌های مخصوص به آن مرحله است. با موفقیت طی نمودن یک مرحله از زندگی می‌تواند تعیین کننده و پیش‌بینی کننده ی خوبی برای موفقیت در انجام وظایف در دیگر مراحل رشدی زندگی باشد و طول مدت زندگی را پیش‌بینی نماید (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۸؛ ترجمه حسین شاهی برواتی و همکاران، ۱۴۰۱)؛ برای مثال زوجینی که هر مرحله از چرخه ی زندگی را با موفقیت سپری نماید، بر طول مدت زندگی اشان افزوده خواهد شد. زمان و طول مدت این مراحل به وسیله اتفاقات اساسی همچون مسائل مالی و اجتماعی معین می‌شود. علاوه بر مسائل اقتصادی و اجتماعی که تعیین کننده هر مرحله از رشد است، فرزندان نیز تعیین کننده و شکل دهنده ی چرخه‌های زندگی خانوادگی هستند (لوکاس و میر^۱، ۱۹۹۴؛ ترجمه محمودیان، ۱۳۹۴). در همین راستا، لرنر و اسپینر^۲ (۲۰۱۳) عنوان نمودند، با ورود فرزندان به خانواده، تغییراتی در محیط خانواده ایجاد می‌شوند و تأثیر دو جانبه ای بین والد و فرزندان به وقوع می‌پیوندد؛ برای مثال، به محض ورود نوزدان تغییراتی در مسئولیت‌های زن و شوهر ایجاد می‌شود و تنها این نوزاد نیست که از والدین تأثیر می‌گیرد بلکه او نیز تغییرات بسیاری را در محیط خانواده ایجاد می‌کند. با عنایت به این مطلب که وجود یا عدم وجود فرزندان تأثیر بسزایی در عملکرد خانواده دارد، در این پژوهش محقق به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا سن در رابطه مدت زمان ازدواج

۱. Lucas & Meyer

۲. Lerner & Spainer

و انسجام خود با عملکرد خانواده زنان در آستانه طلاق در دو مرحله از چرخه زندگی (قبل از تولد فرزند و بعد از فرزند) نقش تعدیل کننده دارد؟

فرضیه‌های پژوهش

نقش تعدیل کننده سن افراد در رابطه مدت زمان ازدواج با عملکرد خانواده زنان در آستانه طلاق در دو مرحله از چرخه زندگی (در سال‌های اول زندگی مشترک و قبل از تولد فرزند و بعد از تولد فرزند) تفاوت دارد.

نقش تعدیل کننده سن افراد در رابطه انسجام خود با عملکرد خانواده زنان در آستانه طلاق در دو مرحله از چرخه زندگی (در سال‌های اول زندگی مشترک و قبل از تولد فرزند و بعد از تولد فرزند) تفاوت دارد.

مواد و روش

این پژوهش از نظر هدف در زمره‌ی پژوهش‌های بنیادی محسوب می‌شود و به لحاظ روش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زنان در آستانه طلاق مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر سبزوار در پاییز سال ۱۴۰۱ بود. ملاک‌های ورود نمونه به پژوهش عبارت بود از گذشت حداقل ۲ سال از زندگی مشترک، متقاضی طلاق بودن، عدم درک متقابل و داشتن تعارض زناشویی و ملاک‌های خروج نمونه از پژوهش عبارت بود از داشتن بیماری خاص و مصرف دارو، شرکت در جلسات مشاوره و عدم تمایل آزمودنی برای پاسخ به پرسشنامه. حداقل حجم نمونه مدل معادلات ساختاری و تحلیل عاملی براساس تعداد سازه‌های اصلی یا متغیرهای پنهان تعیین می‌شود. در خصوص تعیین حجم نمونه در مدل معادلات ساختاری، کلاین^۱ (۲۰۲۳) عنوان نمود، در تحلیل عاملی اکتشافی برای هر متغیر ۱۰ تا ۲۰ نمونه لازم است؛ اما در تحلیل عاملی تأییدی حداقل حجم نمونه بر اساس عامل‌ها تعیین می‌شود نه متغیرها؛ از آنجا که سازه‌های اصلی مدل رسم شده ۴ عدد می‌باشد به نمونه ۸۰ نفری نیاز است؛ ولیکن برای برازش مطلوب مدل معادلات از نمونه ۱۳۵ نفری در هر گروه بهره گرفته شد. نحوه انتخاب نمونه

1. Kline

بدین گونه بود که پژوهشگر، با مراجعه حضوری به سه مرکز مشاوره طلوع آرامش، آتیه و یک روز خوب و توجیه مسئول مرکز در خصوص پژوهش حاضر، از زنان در آستانه طلاق که به مراکز مراجعه کرده بودند در خصوص پاسخ به سؤالات پرسشنامه‌ها دعوت به عمل آورد.

در مطالعه حاضر از پرسشنامه‌های پرسشنامه فردی-دموگرافیک (اطلاعات سن و طول مدت ازدواج)، عملکرد خانواده (اپشتاین^۱ و همکاران (۱۹۸۳) و مقیاس انسجام خود قربانی^۲ و همکاران (۲۰۰۸) جهت جمع آوری داده‌ها استفاده شد که پرسشنامه‌های مذکور به طور کامل در ادامه شرح داده شده است. در پژوهش حاضر، داده‌های بدست آمده از نمرات آزمودنی‌های تحقیق توسط نرم‌افزار آماری Smart PLS-3 و spss22 در دو سطح توصیفی و استنباطی تحلیل می‌گردد. در سطح توصیفی از شاخص‌هایی همچون میانگین، انحراف معیار و در سطح استنباطی از روش همبستگی پیرسون و همچنین معادلات ساختاری با نرم افزار اسمارت پی ال اس استفاده شد.

مقیاس عملکرد خانواده: ابزار سنجش خانواده یک مقیاس ۶۰ سوالی می‌باشد که جهت سنجیدن عملکردهای خانواده به وسیله اپشتاین و همکاران (۱۹۸۳) بر مبنای الگوی مک مستر^۳ طراحی شده است. این الگو ۷ جنبه عملکرد خانوادگی را مشخص می‌نماید. این جنبه‌ها به این صورت می‌باشد: حل مشکلات، ارتباطات، نقش‌های اعضاء، همراهی کردن عاطفی، آمیختگی عاطفی و کنترل کردن رفتار و عملکرد کلی. لذا ابزار سنجیدن عملکرد خانوادگی متناسب با این شش جنبه، از ۶ خرده مولفه جهت سنجش آنها، بعلاوه یک خرده مولفه هفتم مربوط به عملکرد کلی خانوادگی تشکیل شده است. برای نمره گذاری آزمون، به هر سوال ۱ تا ۴ نمره با استفاده از این کلید واژه‌ها داده می‌شود: کاملاً موافقم: ۱، موافق: ۲، مخالف: ۳ و کاملاً مخالف: ۴. آلفای گزارش شده از سوی اپشتاین و همکاران (۱۹۸۳) برای خرده مقیاس‌ها در طیف ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ گزارش شده است. اعتبار و روایی مقیاس سنجش عملکرد خانواده در ایران نیز مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن رضایت‌بخش برآورد شده است. یوسلیانی و همکاران (۱۳۹۱) ضرایب آلفای خرده مقیاس‌های حل مشکل، ارتباط، ایفای نقش، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل

۱. Epstein

۲. Ghorbani

۳. McMaster pattern

رفتار و عملکرد کلی را به ترتیب ۰/۶۵، ۰/۵۴، ۰/۵۱، ۰/۶۸، ۰/۶۴، ۰/۸۴ عنوان نموده اند. نتایج مطالعه یوسفی (۱۳۹۱) نشان داد، این ابزار یک سازه ی یک بعدی نیست و همزمان چند سازه را اندازه گیری می کند. ضرایب همسانی درونی پرسشنامه سنجش خانوادگی با استفاده از دو روش آلفای کرونباخ و دو نیمه کردن در کل نمونه (به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۸۲)، در زنان (به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۶) و در مردان (به ترتیب، ۰/۸۶ و ۰/۸۳) بود و عامل های استخراج شده از قابلیت اعتماد بالا و رضایت بخش برخوردارند. در پژوهش یوسفی (۱۳۹۱) ضریب روایی همگرا و واگرای عملکرد خانواده با پرسشنامه ی الگوهای ارتباطی، پرسشنامه کانون مهار، خرده مقیاس واکنش عاطفی و امتزاج با دیگران به ترتیب ۰/۴۶، ۰/۳۶، ۰/۴۱ و ۰/۴۳- به دست آمده است که در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

مقیاس انسجام خود: این مقیاس که توسط قربانی و همکاران (۲۰۰۸)، ساخته شده، ۱۲ گویه دارد که بر اساس یک مقیاس لیکرتی پنج درجه ای پاسخ داده می شود. پاسخ دهنده، وضعیت خود را روی یک پیوستار از ۱ (عمدتاً نادرست) تا ۵ (عمدتاً درست) مشخص می کند. نمره کل از طریق جمع کردن نمره ماده ها به دست می آید که از ۱۲ تا ۶۰ خواهد بود. نمرات بالا بیانگر خود شناسی بیشتر است. این پرسشنامه شامل ۳ خرده مقیاس خود شناسی تأملی، خود شناسی تجربی و یکپارچه کردن تجارب گذشته، حال و آینده در سازش و ارتقاء خود است. قربانی و همکاران (۲۰۰۸) در مطالعه خود بر روی سه نمونه ایرانی و سه نمونه آمریکایی، آلفای کرونباخ مقیاس را به ترتیب در نمونه اول ایرانی ۰/۸۲، نمونه دوم ایرانی ۰/۸۱ و نمونه سوم ایرانی ۰/۸۱ و به ترتیب در نمونه اول آمریکایی ۰/۷۸، نمونه دوم آمریکایی ۰/۷۸ و نمونه سوم آمریکایی ۰/۷۴ گزارش دادند. اعتبار همگرا، ملاک، افتراقی و افزایشی مقیاس نیز در این مطالعه مورد تأیید قرار گرفت. در مطالعه قربانی و همکاران (۲۰۱۰) نیز آلفای کرونباخ مقیاس ۰/۷۹ گزارش شده است.

یافته‌ها

اطلاعات جمعیت‌شناختی

در این قسمت نمونه مورد بررسی برحسب ویژگی‌ها و پرسش‌های جمعیت‌شناختی (سن، سطح تحصیلات و طول مدت ازدواج) با استفاده از جداول توصیف شده‌اند.

جدول شماره ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان

		فراوانی	درصد	درصد تجمعی
سن	گروه قبل از تولد فرزند	۱۷-۲۵ سال	۵۵	۴۰/۷
		۲۶-۳۰ سال	۴۴	۷۳/۳
		۳۱-۳۵ سال	۱۲	۸۲/۲
		۳۶-۴۰ سال	۱۰	۸۹/۶
		۴۱-۴۵ سال	۱۱	۹۷/۸
		بالتر از ۴۵ سال	۳	۱۰۰
		کل	۱۳۵	۱۰۰
	گروه بعد از تولد فرزند	۱۷-۲۵ سال	۵	۳/۷
		۲۶-۳۰ سال	۱۵	۱۴/۸
		۳۱-۳۵ سال	۳۵	۴۰/۷
		۳۶-۴۰ سال	۴۹	۷۷
		۴۱-۴۵ سال	۱۷	۸۹/۶
		بالتر از ۴۵ سال	۱۴	۱۰۰
		کل	۱۳۵	۱۰۰
تحصیلات	گروه قبل از تولد فرزند	دیپلم و پایین‌تر	۶۶	۴۸/۹
		فوق دیپلم	۲۲	۶۵/۲
		لیسانس	۳۱	۸۸/۱
		فوق لیسانس	۱۶	۱۰۰
		کل	۱۳۵	۱۰۰
	گروه بعد از تولد فرزند	دیپلم و پایین‌تر	۷۶	۵۶/۳
		فوق دیپلم	۱۱	۶۴/۴

		فراوانی	درصد	درصد تجمعی
		لیسانس	۳۸	۹۲/۶
		فوق لیسانس	۱۰	۱۰۰
		کل	۱۳۵	
طول مدت ازدواج	گروه قبل از تولد فرزند	۵-۲ سال	۹۶	۷۱/۱
		۱۰-۶ سال	۲۳	۸۸/۱
		۱۵-۱۱ سال	۹	۹۴/۸
		۱۵ سال به بالا	۷	۱۰۰
		کل	۱۳۵	۱۰۰
	گروه بعد از تولد فرزند	۵-۲ سال	۱۸	۱۳/۳
		۱۰-۶ سال	۴۲	۴۴/۴
		۱۵-۱۱ سال	۳۲	۶۸/۱
		۱۵ سال به بالا	۴۳	۱۰۰
		کل	۱۳۵	۱۰۰

جدول (۱) نشان دهنده آن است اکثریت شرکت کنندگان در مرحله قبل از تولد فرزند، زیر ۳۰ سال سن داشتند و اکثریت شرکت کنندگان در مرحله بعد از تولد فرزند بالای ۳۰ سال سن داشتند. اکثریت شرکت کنندگان در دو گروه دارای تحصیلات دیپلم و پایین تر از دیپلم بودند. همچنین شرکت کنندگان بدون فرزند ۱ تا ۵ سال از زندگی مشترک آنان گذشته بود و شرکت کنندگان دارای فرزند بیشتر از ۵ سال از زندگی مشترک آنان گذشته بود.

ابتدا یافته‌های توصیفی مؤلفه‌های تحقیق (میانگین و انحراف معیار) و آزمون نرمال بودن داده‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد که نتایج آن در جدول (۲) ارائه شده است:

جدول ۲- یافته‌های توصیفی مؤلفه‌های تحقیق در دو مرحله از چرخه زندگی نرمال بودن و بررسی نرمال بودن توزیع نمرات

مؤلفه	ابعاد متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کالموگراف اسمیرنوف	معنی داری
سن	سن افراد	قبل تولد فرزند	۱۳۵	۲۷/۹۴	۷/۹۲	۱/۹۳	۰/۰۰۱
		بعد تولد فرزند	۱۳۵	۳۷/۰۸	۶/۷۱	۰/۷۸	۰/۵۶۲
		کل	۲۷۰	۳۲/۵۱	۸/۶۴	۱/۹۴	۰/۰۰۱

مؤلفه	ابعاد متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کالموگراف اسمیرنوف	معنی داری
طول	طول مدت ازدواج	قبل تولد فرزند	۱۳۵	۴/۸۹	۴/۳۱	۲/۵۱	۰/۰۰۰۱
مدت		بعد تولد فرزند	۱۳۵	۱۲/۷۲	۶/۸۰	۱/۹۵	۰/۰۰۱
ازدواج		کل	۲۷۰	۸۱/۱۱	۶/۹۰	۵/۰۱	۰/۰۰۰۱
انسیجام خود	خودشناسی تأملی	قبل تولد فرزند	۱۳۵	۸/۱۱	۱/۹۸	۱/۳۲	۰/۰۶۰
		بعد تولد فرزند	۱۳۵	۸/۹۶	۳/۰۹	۰/۶۵	۰/۷۸۷
		کل	۲۷۰	۸/۵۴	۲/۶۳	۰/۹۵	۰/۳۳۰
	خودشناسی تجربی	قبل تولد فرزند	۱۳۵	۱۰/۹۴	۳/۱۹	۰/۶۵	۰/۷۸۷
		بعد تولد فرزند	۱۳۵	۱۱/۹۷	۳/۳۳	۰/۶۸	۰/۷۴۰
		کل	۲۷۰	۱۱/۲۳	۳/۳۴	۰/۴۱	۰/۹۹۶
انسیجام خود	خودشناسی انسجامی	قبل تولد فرزند	۱۳۵	۱۳/۷۰	۳/۱۳	۰/۳۶	۰/۹۹۹
		بعد تولد فرزند	۱۳۵	۱۴/۶۵	۳/۸۸	۰/۴۰	۰/۹۹۷
		کل	۲۷۰	۱۴/۱۸	۳/۵۵	۰/۴۴	۰/۹۹۱
	نمره کل انسجام خود	قبل تولد فرزند	۱۳۵	۳۲/۳۱	۶/۴۹	۰/۷۳	۰/۶۶۸
		بعد تولد فرزند	۱۳۵	۳۵/۶۰	۸/۴۰	۱/۲۴	۰/۰۹۱
		کل	۲۷۰	۳۳/۹۵	۷/۶۷	۱/۳۴	۰/۰۵۴
عملکرد خانواده	حل مشکلات	قبل تولد فرزند	۱۳۵	۱۵/۷۴	۳/۵۶	۰/۷۴	۰/۶۴۲
		بعد تولد فرزند	۱۳۵	۱۴/۶۸	۲/۶۶	۱/۰۷	۰/۱۹۷
		کل	۲۷۰	۱۵/۲۱	۳/۱۸	۰/۸۶	۰/۴۴۹
	ارتباطات عملکرد	قبل تولد فرزند	۱۳۵	۱۷/۶۵	۳/۱۴	۱/۰۶	۰/۲۱۳
		بعد تولد فرزند	۱۳۵	۱۵/۱۹	۴/۵۸	۱/۲۹	۰/۰۷۲
		کل	۲۷۰	۱۶/۴۲	۴/۱۱	۰/۶۱	۰/۸۵۳
خانواده	نقش‌های اعضا	قبل تولد فرزند	۱۳۵	۲۲/۸۰	۳/۰۴	۱/۳۸	۰/۰۴۴
		بعد تولد فرزند	۱۳۵	۲۱/۴۵	۴/۵۵	۰/۵۱	۰/۹۵۶
		کل	۲۷۰	۲۲/۱۳	۳/۹۲	۱/۲۳	۰/۰۹۹
	همراهی کردن عاطفی	قبل تولد فرزند	۱۳۵	۱۷/۸۵	۲/۹۸	۱/۲۷	۰/۰۷۹
		بعد تولد فرزند	۱۳۵	۱۷/۰۲	۳/۴۹	۰/۹۴	۰/۳۴۰
		کل	۲۷۰	۱۷/۴۴	۳/۲۶	۱/۳۹	۰/۰۴۰

■ بررسی نقش تعدیل گرسن افراد در رابطه مدت زمان ازدواج و انسجام خود ...

مؤلفه	ابعاد متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کالموگراف اسمیرنوف	معنی داری
آمیختگی عاطفی	قبل تولد فرزند	قبل تولد فرزند	۱۳۵	۲۳/۳۷	۳/۵۴	۱/۱۲	۰/۱۶۴
		بعد تولد فرزند	۱۳۵	۲۲/۵۵	۴/۱۳	۰/۷۷	۰/۵۸۴
	کل	کل	۲۷۰	۲۲/۹۶	۳/۸۶	۱/۳۲	۰/۰۶۰
کنترل کردن رفتار	قبل تولد فرزند	قبل تولد فرزند	۱۳۵	۲۲/۷۸	۲/۷۵	۱/۵۳	۰/۰۱۸
		بعد تولد فرزند	۱۳۵	۲۲/۲۹	۳/۴۱	۱/۱۱	۰/۱۷۰
	کل	کل	۲۷۰	۲۲/۵۴	۳/۰۹	۱/۸۰	۰/۰۰۳
عملکرد کلی	قبل تولد فرزند	قبل تولد فرزند	۱۳۵	۳۳/۸۴	۴/۸۲	۰/۷۴	۰/۶۵۱
		بعد تولد فرزند	۱۳۵	۳۱/۵۴	۶/۸۶	۱/۱۱	۰/۱۶۸
	کل	کل	۲۷۰	۳۲/۶۹	۶/۰۳	۰/۶۴	۰/۸۰۲
نمره کل عملکرد خانواده	قبل تولد فرزند	قبل تولد فرزند	۱۳۵	۱۵۴/۰۵	۱۶/۹۵	۱/۴۷	۰/۰۲۶
		بعد تولد فرزند	۱۳۵	۱۴۴/۷۵	۲۳/۳۱	۲/۲۴	۰/۰۰۰۱
	کل	کل	۲۷۰	۱۴۹/۴۰	۲۰/۸۶	۲/۵۸	۰/۰۰۰۱

با توجه به یافته‌های جدول شماره ۲ می‌توان گفت، بالاترین میانگین در هر دو گروه متعلق به نمره کل عملکرد خانواده و پایین‌ترین میانگین در هر دو گروه قبل از تولد فرزند مربوط به طول مدت ازدواج و در گروه بعد از تولد فرزند متعلق به خرده مقیاس انسجام خود (خودشناسی تأملی) می‌باشد. نکته ای که ذکر آن حائز اهمیت می‌باشد این مطلب است که عملکرد خانواده بعد از تولد فرزند مطلوب‌تر از عملکرد خانواده قبل از تولد فرزند است؛ چرا که نمرات پایین‌تر عملکرد خانواده نشان‌دهنده مطلوبیت بیشتر آن است که در این پژوهش مشاهده می‌شود عملکرد خانواده در چرخه بعد از تولد فرزند بهتر از مرحله قبل تولد فرزند می‌باشد. همچنین در خصوص مؤلفه انسجام خود نیز می‌توان اضافه نمود انسجام خود در مرحله بعد از تولد فرزند در زنان متقاضی طلاق بیشتر از مرحله قبل از تولد فرزند می‌باشد.

جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کالموگراف اسمیرنوف استفاده شد. نتایج نشان داد، سطح معناداری مربوط به آزمون در برخی مؤلفه‌ها به استثنای، مؤلفه‌های سن، همراهی کردن، کنترل کردن رفتار و نقش‌های اعضای در مرحله بعد تولد، و نمرات انسجام خود، حل مشکلات،

ارتباطات، آمیختگی عاطفی و عملکرد کلی در هر دو گروه بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد؛ بنابراین فرض نرمال بودن توزیع نمرات تنها در برخی مؤلفه ها پذیرفته خواهد شد و مؤلفه های دیگر از توزیع نرمال برخوردار نیستند. از آنجایی که نرم افزار اسمارت پی ال اس به نرمال بودن داده ها حساس نیست از این نرم افزار در پژوهش حاضر بهره گرفته می شود.

در ادامه در جدول شماره ۳ به محاسبه پایایی و روایی سازه مؤلفه های پرسشنامه ها در دو گروه پرداخته می شود، چرا که روایی و پایایی مناسب پیش شرط ضروری رسم مدل در نرم افزار اسمارت پی ال اس می باشد.

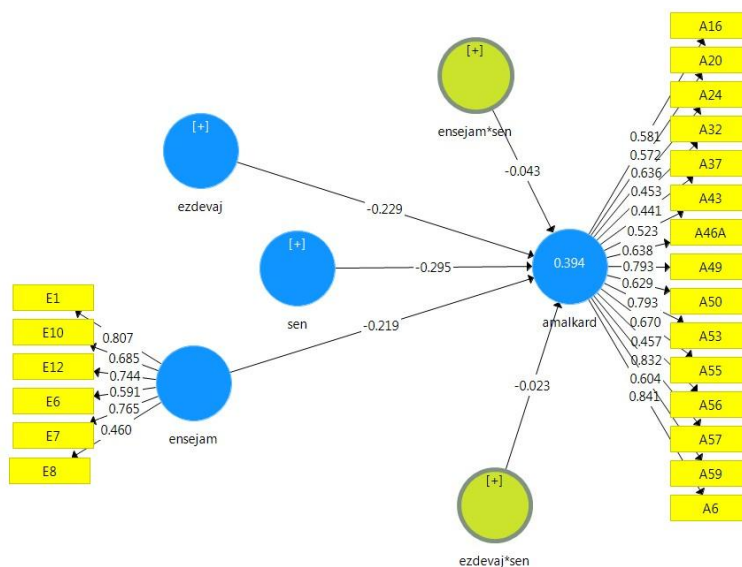
جدول ۴. سنجش پایایی مؤلفه ها در دو گروه از طریق آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی

مؤلفه ها		ضریب آلفای کرونباخ		پایایی ترکیبی	
		Alpha > ۰/۷۰		CR > ۰/۷۰	
		قبل تولد	بعد تولد	قبل تولد	بعد تولد
		فرزند	فرزند	فرزند	فرزند
عملکرد خانواده		۰/۸۲	۰/۸۶	۰/۴۵	۰/۷۱
انسجام خود		۰/۶۹	۰/۷۲	۰/۶۸	۰/۷۹

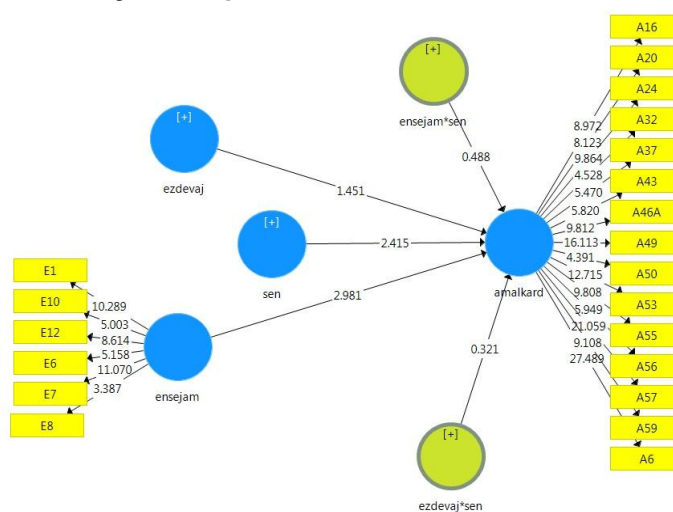
جهت بررسی پایایی از شاخص پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج در جدول بالا آمده است. در خصوص سازه های سن و طول مدت ازدواج چون فقط از یک نشانگر استفاده شده است، امکان محاسبه پایایی در مورد آنها وجود ندارد. با توجه به نتایج بدست آمده ضریب پایایی مرکب و کرونباخ در خصوص مؤلفه عملکرد خانواده و انسجام خود در گروه دارای فرزند بیشتر از ۰/۷۰ هستند؛ بنابراین می توان گفت این پرسشنامه ها در گروه دارای فرزند از پایایی مرکب و کرونباخ خوبی برخوردار هستند، ولیکن مؤلفه عملکرد خانواده و انسجام خود در گروه بدون فرزند از پایایی پائینی برخوردار است، تنها آلفای کرونباخ عملکرد خانواده در گروه بدون فرزند مطلوب گزارش گردید. در این پژوهش از روایی سازه برای سنجش روایی پرسشنامه ها استفاده شده است. روایی سازه مشخص می کند آیا نشانگرها، ساختارهای عاملی مناسبی را جهت اندازه گیری سازه های مورد مطالعه در مدل تحقیق فراهم می آورند. جهت بررسی روایی سازه تحلیل عاملی تأییدی مورد استفاده قرار می گیرد. در تحلیل عاملی تأییدی هر چه میزان بار عاملی

به عدد یک نزدیک تر باشد در واقع گویای این مسئله است که سوالات پرسشنامه ارتباط قویتری با متغیرهای مکنون دارند و اگر میزان بار عاملی صفر باشد، به معنای عدم ارتباط بین سوال پرسشنامه با متغیر مکنون است. مقدار بار عاملی کمتر از $0/40$ کوچک محسوب شده و باید از مدل حذف شود (آسپورنی ۱ و همکاران، ۲۰۰۸). بنابراین در هر دو گروه، سوالاتی که بار عاملی کمتر از $0/40$ داشت از مدل حذف گردید. بدین منظور سوالات ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۱ انسجام خود و سوالات ۱-۵، ۷-۱۵، ۱۷-۱۹، ۲۱-۲۳، ۲۵-۳۱، ۳۳-۳۶، ۳۸-۴۲، ۴۴-۴۵، ۴۷-۴۸، ۵۱-۵۲، ۵۴، ۵۸ و ۶۰ عملکرد خانواده در گروه قبل تولد به دلیل بار عاملی کمتر از $0/40$ حذف گردید. همچنین سوالات ۱، ۳، ۵، ۹، ۱۱ و ۱۲ انسجام خود و سوالات ۶، ۷، ۹، ۱۲، ۱۷، ۲۱-۲۴، ۲۶-۳۵، ۳۷-۴۶، ۴۸-۵۱، ۵۳-۶۰ عملکرد خانواده حذف گردید.

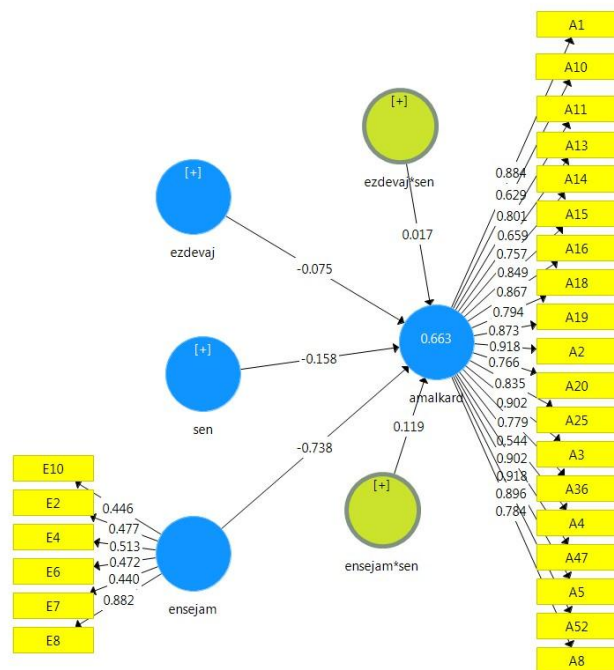
به منظور بررسی فرضیه اصلی، ضرایب مسیر محاسبه شده و معناداری این ضرایب توسط آماره آزمون تی (t) مورد بررسی قرار گرفتند و می توان گفت، در صورتی که مقدار قدر مطلق آماره آزمون بزرگتر از $1/96$ مقدار بحرانی در سطح $0/05$ باشد، آنگاه در سطح اطمینان ۹۵٪ مسیر و ضریب مسیر مورد نظر معنادار است. نمودارهای شماره ۱ و ۲ به ترتیب ضرایب مسیر و مقادیر آماره t مربوط به مدل آزمون در مرحله قبل از تولد فرزند و نمودارهای ۳ و ۴ به ترتیب ضرایب مسیر و مقادیر آماره t مربوط به مدل آزمون در مرحله بعد از تولد فرزند را نشان می دهند.



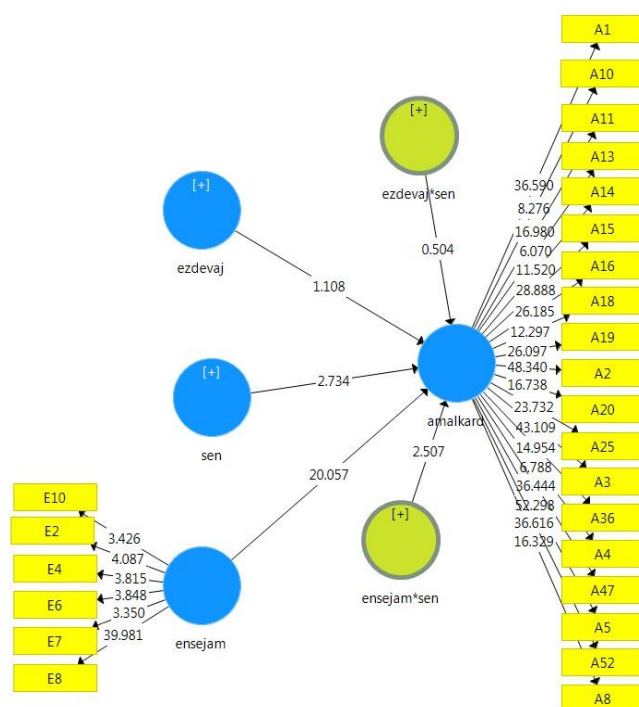
نمودار ۱. ضرایب استاندارد شده مدل اصلاحی در گروه قبل از تولد فرزند



نمودار ۲. مقدار T-values مدل اصلاحی در گروه قبل از تولد فرزند



نمودار ۳. ضرایب استاندارد شده مدل اصلاحی در گروه بعد از تولد فرزند



نمودار ۴. مقدار T-values مدل اصلاحی در گروه بعد از تولد فرزند

جدول ۴. سنجش پایایی مؤلفه‌ها در مدل اصلاح شده در دو گروه از طریق آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی

مؤلفه‌ها		ضریب آلفای کرونباخ		پایایی ترکیبی	
		Alpha > ۰/۷۰		CR > ۰/۷۰	
		قبل تولد	بعد تولد	قبل تولد	بعد تولد
		فرزند	فرزند	فرزند	فرزند
عملکرد خانواده		۰/۸۸	۰/۹۴	۰/۸۶	۰/۸۷
انسجام خود		۰/۷۷	۰/۷۲	۰/۸۴	۰/۸۰

با توجه به نتایج بدست آمده ضریب پایایی مرکب و آلفای کرونباخ در مدل اصلاح شده گروه با آسیب شنوایی با حذف سوالاتی که بار عاملی پایینی داشتند، بیشتر از ۰/۷۰ بدست آمد که حاکی از پایایی مناسب این مؤلفه‌ها در مدل اصلاحی هر دو گروه است.

گزارش برازش مدل از طریق معیار SRMR

مقدار SRMR معیاری است که برای سنجش میزان تناسب و وضعیت معرف‌های یک متغیر و نیز وضعیت روابط بین متغیرهای مختلف استفاده می‌شود. این معیار بین صفر و یک در نوسان است. نقطه برش آن ۰/۰۸ در نظر گرفته و مقدار آن هرچه کمتر باشد، تناسب مدل مطلوب‌تر است. مقدار ارزیابی کیفیت مدل مسیر پژوهش برابر با ۰/۰۷ است که می‌توان نتیجه گرفت که مدل مسیر پژوهش از کیفیت لازم برخوردار است.

- بررسی برازش مدل ساختاری با استفاده از روش روایی واگرا

به منظور سنجش روایی واگرا از روایی تشخیصی استفاده می‌شود. منطق انجام این کار بر این اصل استوار است که یک متغیر مکنون یا سازه باید دارای واریانس تبیین کننده بیشتر با سنجه‌ها، یا شاخص‌ها و متغیرهای مشاهده گر خود در مقایسه با سایر سازه‌ها در مدل باشد. برای سنجش روایی واگرا از شاخص AVE یا میانگین واریانس استخراج شده استفاده می‌شود. بر این اساس AVE (واریانس بین آن سازه یا متغیر مکنون) باید از ضریب همبستگی با سایر سازه‌ها یا متغیرهای مکنون بزرگتر باشد. یا به عبارت دیگر جذر AVE باید از قدر مطلق همبستگی بین آن متغیر مکنون و سایر متغیرهای مکنون بزرگتر باشد. همانطور که در جدول زیر مشاهده می‌شود جذر AVE در هر سطر از همبستگی متغیرهای مکنون سطرهای پایین تر خود بزرگتر می‌باشد که این امر نشان دهنده ی این است که مدل دارای روایی واگرا می‌باشد.

جدول ۵. آزمون روایی تشخیص

سن	طول مدت ازدواج	انسجام خود	عملکرد خانواده	
				عملکرد خانواده
			۰/۶۴	قبل تولد فرزند
		۰/۶۸	-۰/۳۶	انسجام خود
	۱	۰/۲۷	-۰/۵۶	طول مدت ازدواج

سن	طول مدت ازدواج	انسجام خود	عملکرد خانواده	
۱	۰/۷۸	۰/۲۳	-۰/۵۵	سن
			۰/۸۱	عملکرد خانواده
		۰/۵۱	-۰/۷۶	انسجام خود
	۱	۰/۱۱	-۰/۲۱	طول مدت ازدواج
۱	۰/۴۹	۰/۲۷	-۰/۳۶	سن

بر اساس نمودارهای ۱ و ۳ تحلیل مسیر نتایج جدول زیر را به همراه دارد.

جدول ۶. نتایج تحلیل حداقل مربعات جزئی و آزمون فرضیه اصلی

گروه	مسیر	ضریب مسیر	آماره t	سطح معنی داری	نتیجه
قبل از تولد فرزند	طول ازدواج ← عملکرد خانواده	-۰/۲۳	۱/۴۲	$p > ۰/۰۵$	عدم معناداری
	انسجام خود ← عملکرد خانواده	-۰/۲۲	۳/۰۱	$p < ۰/۰۵$	معنادار
	سن افراد ← عملکرد خانواده	-۰/۲۹	۲/۳۹	$p < ۰/۰۵$	معنادار
	طول ازدواج* سن افراد ← عملکرد خانواده	-۰/۰۲	۰/۳۱۳	$p > ۰/۰۵$	عدم معناداری
بعد از تولد فرزند	انسجام خود* سن افراد ← عملکرد خانواده	-۰/۰۴	۰/۴۸۴	$p > ۰/۰۵$	عدم معناداری
	طول ازدواج ← عملکرد خانواده	-۰/۰۷	۱/۱۱	$p > ۰/۰۵$	عدم معناداری
	انسجام خود ← عملکرد خانواده	-۰/۷۴	۲۰/۰۵	$p < ۰/۰۵$	معنادار
	سن افراد ← عملکرد خانواده	-۰/۱۶	۲/۷۳	$p < ۰/۰۵$	معنادار
	طول ازدواج* سن افراد ← عملکرد خانواده	۰/۰۲	۰/۵۰۴	$p > ۰/۰۵$	عدم معناداری
	انسجام خود* سن افراد ← عملکرد خانواده	۰/۱۱	۲/۵۰	$p < ۰/۰۵$	معنادار

یافته‌های جدول (۶) نشان می‌دهد که در هر دو گروه، طول مدت ازدواج تأثیر مستقیم بر عملکرد خانواده ندارد، ولیکن انسجام خود تأثیر معناداری بر عملکرد خانواده دارد. همچنین یافته‌ها نشان تفاوت معنی داری بین نقش تعدیل کننده سن در رابطه انسجام خود با عملکرد خانواده

در هر دو گروه وجود دارد، و تنها در گروه بعد از تولد فرزند سن در رابطه انسجام خود با عملکرد خانواده نقش تعدیلگر ایفا نمود؛ ولیکن سن در رابطه انسجام خود با عملکرد خانواده در گروه قبل از تولد فرزند نقش تعدیل کننده نداشت. همچنین، نتایج نشان داد، سن در رابطه طول مدت ازدواج با عملکرد خانواده در هر دو گروه نقش تعدیل کننده ندارد و تفاوتی در این خصوص بین دو گروه وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی نقش میانجی گرانه‌ی سن افراد در رابطه مدت زمان ازدواج و انسجام خود با عملکرد خانواده زنان در آستانه طلاق در دو مرحله از چرخه زندگی بود. در ادامه باید عنوان نمود تفاوت معنی داری بین نقش تعدیل کننده سن در رابطه انسجام خود با عملکرد خانواده در هر دو گروه وجود دارد، و تنها در گروه بعد از تولد فرزند سن در رابطه انسجام خود با عملکرد خانواده نقش تعدیلگر ایفا نمود؛ ولیکن سن در رابطه انسجام خود با عملکرد خانواده در گروه قبل از تولد فرزند نقش تعدیل کننده نداشت. همچنین، نتایج نشان داد، سن در رابطه طول مدت ازدواج با عملکرد خانواده در هر دو گروه نقش تعدیل کننده ندارد و تفاوتی در این خصوص بین دو گروه وجود ندارد.

در ابتدا باید گفت، تفاوت معنی داری در خصوص نقش تعدیل کننده سن در رابطه طول مدت ازدواج با عملکرد خانواده در دو مرحله از چرخه زندگی (در سال‌های اول زندگی مشترک و قبل از تولد فرزند و بعد از تولد فرزند) یافت نشد و در هر دو گروه سن در رابطه طول مدت ازدواج با عملکرد خانواده نقش تعدیل کننده نداشت. نتایج این فرضیه با پژوهش‌های بوهلر^۱ و همکاران (۲۰۲۱)، رشید و همکاران (۱۳۹۹)، خداکرمی و همکاران (۱۳۹۶)، غفرانی پور و همکاران (۱۳۹۶)، ناهمخوان می باشد؛ چرا که این پژوهشگران نیز در تحقیقات خود نشان دادند به طور کلی عوامل جمعیت شناختی سن و طول مدت زمان زندگی مشترک، سازگاری زوجین و در نتیجه بهبود عملکرد خانواده را به همراه دارد. راسخ جهرمی و همکاران (۱۴۰۰) و نیز معصومی و

همکاران (۱۴۰۰) به نتیجه ای همخوان با نتیجه پژوهش حاضر دست یافتند و بین افزایش سن و سازگاری زوجین و خانواده رابطه ی معنی داری مشاهده نکردند.

در خصوص عدم نقش تعدیل کننده سن در رابطه طول مدت ازدواج با عملکرد خانواده در ابتدا باید گفت، مطابق با مطالعات انجام گرفته انتظار می رود افزایش طول مدت ازدواج و سن در افراد بر عملکرد خانوادگی تأثیر مثبتی بگذارد؛ آنگونه که کوردک^۱ (۱۹۹۹) عنوان نمود، تأثیر طول مدت ازدواج بر رضایتمندی زوجین و خانواده به صورت یک نمودار رشدی است، بدین گونه که در ابتدای زندگی در سطح پایین قرار دارد و به مرور و با افزایش سال های زندگی مشترک رو به افزایش می یابد. همچنین، زینگ و تان^۲ (۲۰۲۱) عنوان نمودند، هر چه سن فرد در هنگام ازدواج بالاتر باشد به همان اندازه زوجین از کیفیت زندگی و عملکرد خانوادگی مطلوب تری برخوردار خواهند بود؛ چرا که برای یک زندگی رضایت مندانه و موفق، علاوه بر نیاز به رشد جسمی و جنسی، رشد روانی و اجتماعی نیز مورد نیاز است که رشد روانی- اجتماعی با بالاتر رفتن سن افزایش می یابد. نتایج این دو مطالعه نشان داد سن و طول مدت ازدواج از عوامل مؤثر بر عملکرد خانوادگی است، ولیکن به نظر می رسد فاکتورهایی همچون سطح درآمد پایین مانع از اثرگذاری طول مدت ازدواج و سن بر عملکرد خانوادگی می باشد؛ آنچنانکه نتایج یک بررسی نشان داد سطح درآمد کم باعث کاهش عشق و صمیمیت بین اعضای خانواده می شود و بنابراین، آنها نمی توانند حتی با گذر زندگی و افزایش تجربیات، ناملایمات و سختی ها را تحمل نمایند (ژانگ و لیانگ^۳، ۲۰۲۳). با توجه به اینکه در حال حاضر اکثریت افراد در فشار اقتصادی هستند، دور از ذهن نیست که بتوان فاکتور سطح درآمد را به عنوان یک متغیر اثرگذار بر کاهش کیفیت عملکرد خانوادگی در نظر گرفت؛ به گونه ای که فاکتور افزایش سن و طول مدت ازدواج در اثر درآمد پایین تأثیر خود را از دست خواهند داد.

در اینجا این سوال پیش می آید که چه چیزی منجر به عدم تفاوت در نقش تعدیل کننده سن در رابطه طول مدت ازدواج با عملکرد خانواده در قبل و بعد از تولد فرزند شده است؟ مرور دو

۱. Kurdek

۲. Zeng & Tan

۳. Zhang & Liang

مطالعه پاسخ مابه این سوال را می‌دهد. اولین مطالعه مربوط می‌باشد به پژوهش پیوسته و همکاران (۱۳۹۷) که از این مطالعه می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که زوجین در سال‌های اولیه زندگی قبل از تولد فرزند به دلیل عدم شناخت کافی، بحرانی‌ترین سالهای زندگی مشترک را می‌گذرانند. در این خصوص باید اضافه نمود، در سال‌های اول ازدواج، زوجین شناخت کافی از علایق و انتظارات یکدیگر ندارند و همچنین علاقه قلبی و عمیق در بین آنان شکل نگرفته و تعهد زناشویی پایین‌تری دارند، بنابراین، جدایی برای آنان اسانتر خواهد بود. دومین مطالعه مربوط می‌شود به پژوهش بوگدان^{۱۰} و همکاران (۲۰۲۲) که از این مطالعه اینگونه استنباط می‌گردد که ورود فرزند جدید به خانواده زوجین را با مشکلات و مسئولیت‌های بیشتری رو به رو می‌سازد، آن‌ها در این مرحله نه تنها وظیفه تأمین نیازهای یکدیگر را برعهده دارند بلکه وظیفه نگهداری از فرزند نیز بر مسئولیت‌های قبلی آنان افزوده شده است و عملکرد خانواده را تحت تأثیر قرار داده است. نکته‌ای که از این مطالعات استنباط می‌شود، این مطلب می‌باشد که هر دو مرحله سال‌های اولیه ازدواج و سال‌های بعد تولد فرزند از سال‌های بحرانی و حساس زندگی مشترک است و در هر دو مرحله زوجین با چالش‌ها و سختی‌هایی رو به رو هستند، بنابراین تفاوت معنی‌داری در نقش تعدیل‌کننده سن در رابطه طول مدت ازدواج با عملکرد خانواده در دو مرحله از چرخه زندگی (در سال‌های اول زندگی مشترک و قبل از تولد فرزند و بعد از تولد فرزند) یافت نشد.

در تبیین نقش تعدیل‌کننده سن در رابطه انسجام خود با عملکرد خانواده، در ابتدا می‌توان گفت، زوجین در سنین پایین توافق کمتری در مسائل زناشویی خود دارند؛ چرا که در سنین پایین تر زوجین شناخت کمتری از خواسته‌ها و علایق یکدیگر دارند، بنابراین سعی می‌کنند در گرفتن تصمیم‌های مهم، نظر خود را به دیگری القاء نموده و این عاملی برای اختلاف و ناسازگاری بین زوجین می‌گردد. همچنین می‌توان اضافه نمود، رفته‌رفته با بالا رفتن سن و مدت زمان زندگی مشترک، میزان شناخت زوجین از سلاقی و خواسته‌های یکدیگر افزایش یافته و نیز گذشت و صبر زوجین ارتقاء می‌یابد، در نتیجه زوجین در هنگام تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی با یکدیگر مشورت نموده و عملکرد بهتری در زندگی خواهند داشت. علاوه بر این می‌توان گفت، ازدواج در دوره جوانی اول که همگام با اتمام تحصیلات، گذر از دوره طوفانی نوجوانی و ثبات فکری و

۱۰. Bogdan

عاطفی است موجب انعطاف پذیری، گذشت و نشاط روحی، به همراه توقعات پایینتر، آسیب پذیری کمتر، سازگاری بیشتر با همسر و درنهایت، آرامش در زندگی مشترک همراه خواهد بود (بانکی پور فرد و همکاران، ۱۳۹۰). به همین جهت، متخصصان سن مناسب ازدواج را برای دختران ۱۸ تا ۲۴ سال و برای پسران ۲۴ تا ۲۸ سال توصیه می کنند (اعظمی، ۱۴۰۰). حسینی بیرجندی (۱۴۰۰) نیز سن ۲۲ سال برای دختر و سن ۲۴ را برای پسران، سن مناسب ازدواج تعیین نموده است. به اعتقاد وی، در این سن یک فرد عادی به اندازه کافی رشد و ثبات فکری و عاطفی دارد و امکان تغییر ناگهانی در رفتار او کم است، اگر چه در این سن عادات مختلف در فرد به صورت محکمی در آمده، ولی هنوز قابلیت تطبیق و سازش در او موجود است. با توجه به مطالب عنوان شده و با توجه به اینکه میانگین سن زنان در گروه بدون فرزند ۲۷ و در گروه دارای فرزند ۳۷ سال به دست آمده است، می توان گفت نمونه پژوهش حاضر از سطح مناسب رشد فکری و عاطفی برخوردار بوده و در نتیجه عملکرد خانوادگی خوبی را نیز گزارش نمودند. در تأیید یافته ی پژوهش حاضر می توان به پژوهش صادقی و همکاران (۱۳۹۷) اشاره کرد که عنوان نمودند در سنین پایین، زوجین مهارت های اجتماعی لازم را برای رابطه ی درازمدت زناشویی کسب نکرده و به بلوغ کامل نرسیده اند و همچنین اغلب به منابع اقتصادی و مالی کافی دسترسی ندارند، در نتیجه احتمال بیشتری می رود که سنین پایین تر زوجین به ناسازگاری و عملکرد نامطلوب خانوادگی دچار گردند بینجامد و بالعکس با بالا رفتن سن زوجین به دلیل بلوغ کافی به موفقیت و سازگاری و عملکرد خانوادگی مطلوب تر دست پیدا می کنند. با توجه به تأثیر افزایش سن در رسیدن افراد به بلوغ، انتظار می رود افراد با افزایش سن به خودشناسی بیشتر نیز دست پیدا کنند و رسیدن به بلوغ و خودشناسی زمینه ساز عملکرد مطلوب خانواده است. آنچنانکه یافته های تحقیقات اروز و دنیز (۲۰۲۰) نشان داد، خودشناسی منسجم می تواند با تقویت حرمت خود، و شناخت و تلاش برای درک حالات هیجانی، رفتارها و خلیات خود و در نهایت دیگران، زمینه افزایش رضایتمندی زوجین را فراهم آورد. با عنایت به مطالب مطرح شده در بالا می توان اینگونه استنباط نمود که هر چه شناخت فرد از خود بیشتر باشد، میزان مهربانی با خود و دیگران نیز بیشتر است. به عبارتی که افراد دارای انسجام خود بالا، با شناخت کامل و دقیق روحیات و خلیات خود راحت تر می توانند دیگران و انتظارات آنان

را نیز درک نمایند؛ در نتیجه تمایل دارند اهداف دلسوزانه تری در روابط خود در خانواده دنبال نمایند و با حمایت و همکاری اعضاء، عملکرد خانواده را ارتقاء بخشند. در همین راستا، سلیگمن و سیزنتمیهالی^۱ (۲۰۱۴) عنوان نمودند که افرادی که از انسجام خود بالایی برخوردارند، نسبت به دیگران افکار مثبتی داشته و از نشخوارهای منفی به دور هستند و سعی دارند با نگرشی خوش بینانه به دیگران علی الخصوص خانواده خود نگاه کنند که این بازخورد مثبت در نهایت عملکرد مطلوب خانواده را به همراه می آورد. بنابراین می توان گفت، سن قادر است رابطه انسجام خود با عملکرد خانواده را تعدیل نماید.

علاوه بر مطالب مذکور، نتایج حاکی از آن بود که تفاوت معنی داری بین نقش تعدیل کننده سن در رابطه انسجام خود با عملکرد خانواده در هر دو گروه وجود دارد، و تنها در گروه بعد از تولد فرزند سن در رابطه انسجام خود با عملکرد خانواده نقش تعدیل کننده ایفا نمود؛ ولیکن سن در رابطه انسجام خود با عملکرد خانواده در گروه قبل از تولد فرزند نقش تعدیل کننده نداشت. به نظر می رسد علت این تفاوت، وجود فرزند باشد. در این خصوص می توان گفت، زنان بعد از تولد فرزند با مشکلات و مسائل فراوانی دست و پنجه نرم می کنند، همانند بیدار خوابی های شبانه روزی، کاهش تفریح و گردش با دوستان و فامیل و نیز مشکلات اقتصادی. به طور کل می توان گفت، تکلیف والدین در این دوران دو چندان می شود؛ چرا که علاوه بر توانایی نگهداری و تأمین نیازهای فرزند، وظیفه ی تأمین نیازهای یکدیگر از جمله نیاز جنسی را دارند و علاوه بر این باید سعی نمایند با دیگران و علی الخصوص خانواده اصلی خود رابطه خوبی برقرار نمایند (آروفیاتی^۲، ۲۰۱۰). نکته جالب توجه این مطلب است که سختی هایی که مادر بعد از تولد فرزند متحمل می شود تاب آوری وی را در برابر بسیاری از مسائل دیگر بالا می رود و مادر با مشکلات کوچک زندگی زناشویی به راحتی آشفته نمی شود. آنچنانکه، در پژوهش حاضر نیز زنان، بعد از تولد فرزند عملکرد خانوادگی بالاتری نسبت به زنان در سال های اول زندگی مشترک و بدون فرزند داشتند. در تأیید این نتایج می توان به پژوهش صنایع و همکاران (۲۰۲۱) اشاره کرد که نشان دادند، مادران هر چه با مشکلات کودک خود بیشتر دست و پنجه نرم می کنند، سطح تاب آوری آنان

۱. Seligman & Csikszentmihalyi

۲. Arofiati

بالا تر می‌رود. ارتقاء سطح تحمل و تاب آوری رفته رفته انسجام خود در مادران بعد از تولد را ارتقاء می‌بخشد. آنچنانکه برایانت^۱ (۲۰۲۲) در پژوهش خود عنوان نمودند، بین انسجام خود و تاب آوری رابطه متقابل وجود دارد؛ به گونه ای که تاب آوری با حذف کلیشه‌های منفی و تقویت باورهای مثبت، زمینه بهبود و رشد انسجام خود را در افراد فراهم می‌آورد. بنابراین می‌توان گفت، تاب آوری زنان بعد از تولد فرزند و مشکلاتی که همراه تولد فرزند وجود دارد، ارتقاء یافته و در نتیجه منجر به افزایش سطح انسجام خود در آنان می‌گردد. علاوه بر این، مطابق با نظریه انسجام خود آنتونوسکی (۱۹۹۳) می‌توان گفت، حس انسجام یک منبع درونی است که به صورت تجربی در طول دوران جوانی رشد می‌کند تا به کیفیت نسبتاً پایدار برسد. بنابراین می‌توان گفت عامل سن، از عوامل اثرگذار بر انسجام خود است و از آنجاییکه افراد بعد از مرحله تولد فرزند اکثراً در دامنه‌ی سنی ۳۱ تا ۴۰ سال هستند، به نظر می‌رسد به سطح مناسبی از انسجام خود دست یافته باشند ولیکن، افراد گروه قبل از تولد فرزند و سال‌های اول زندگی مشترک در دامنه‌ی سنی زیر ۳۰ سال هستند و می‌توان گفت سطح انسجام خود در آنان، به رشد حداکثری خود نرسیده و در نتیجه سن در رابطه انسجام خود با عملکرد خانواده در گروه سال‌های اول زندگی مشترک نقش تعدیل کننده ایفا نکرد. بنابراین، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت، بالا رفتن سن، انسجام خود در زنان بعد از تولد فرزند را ارتقاء داده است. نتایج مطالعات عسگری و شفیعی (۱۳۹۷) نشان داده، انسجام خود عامل مؤثری بر ارتقاء عملکرد خانواده است؛ چرا که به اعتقاد آنتونوسکی (۱۹۹۳) افراد با احساس انسجام قوی، زندگی را پیش‌بینی پذیر، کنترل پذیر و معنادار ادراک می‌کنند و عوامل استرس‌زا را به صورت چالش مهمی می‌نگرند که ارزش رویارویی دارد. در نتیجه می‌توان گفت زنان در گروه بعد از تولد فرزند، دارای انسجام قوی‌تری هستند، بنابراین، بسیار انعطاف پذیرند و قادرند منابع مناسبی همچون حمایت همسر، تقسیم کار در منزل و غیره را برای غلبه بر موقعیت‌های تنش‌زا بیابند. با عنایت به مطالب عنوان شده می‌توان گفت، سن در رابطه انسجام خود با عملکرد خانواده در مرحله بعد از تولد فرزند نقش تعدیل کننده ایفا نمود ولیکن سن در رابطه انسجام خود با عملکرد خانواده در مرحله سال‌های اولیه زندگی مشترک نقش تعدیل کننده نداشت.

۱. Bryant

هر پژوهشی دارای محدودیت‌هایی است که پژوهش حاضر از آن مستثنی نیست؛ از جمله محدودیت‌های این تحقیق، ویژگی اجتماعی و فرهنگی جامعه تحقیق است که باعث می‌شود زنان مراجعه کننده به مرکز مشاوره در بسیاری از موارد به ویژه در مورد زندگی زناشویی خود، محافظه کار باشند و بخواهند خودشان را خوب نشان دهند. عوامل روانی اثرگذار مانند نگرانی، خستگی و بی تفاوتی نسبت به پاسخگویی به دلیل مشکلاتی که زنان متقاضی طلاق با آن مواجه بودند، امکان جمع آوری دقیق اطلاعات و همچنین زمان صرف شده برای این کار را طولانی تر نمود.

با توجه به نقش تعدیل کننده سن در رابطه انسجام خود با عملکرد خانواده پیشنهاد می شود، مشاوران، روانشناسان بالینی و درمانگران از روش شفقت درمانی که از درمان‌های اثرگذار بر انسجام خود است، برای بهبود ویژگی‌های مرتبط با سلامت به ویژه افزایش انسجام خود استفاده کنند. با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود، برنامه‌های توانمندسازی و غنی سازی جهت بهبود عملکرد خانواده بر مبنای ویژگی‌های جمعیت شناختی زوجین همچون سن و طول مدت ازدواج طراحی و تدوین گردد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از همه کسانی که در انجام این پژوهش همکاری کردند به خصوص زنان متقاضی طلاق مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر سبزوار که با متانت و حوصله به پرسش نامه‌ها پاسخ دادند کمال تشکر و قدردانی را داشته باشند.

Reference

- AjeliLahiji, L., & Besharat, M. A. (2019). The role of personality traits in predicting family functioning and quality of life among nurses, Shiraz, Iran 2017-2018. *Journal of Occupational Health and Epidemiology*, 8(2) :81-87. <http://dx.doi.org/10.29252/johe.8.2.81>
- Antonovsky, A. (1993). The structure and properties of the sense of coherence scale. *Social Science & Medicine*, 36(6) :725-33. [https://doi.org/10.1016/0277-9536\(93\)90033-Z](https://doi.org/10.1016/0277-9536(93)90033-Z)
- Antonovsky, A. (1996). The salutogenic model as a theory to guide health promotion. *Health Promot Int*, 11(1) :11-8. <https://doi.org/10.1093/heapro/11.1.11>
- Arofiati, F. (2010). Psychosocial Aspects of Childbearing. *Mutiara Medika*, 10(1) 90-95.
- Asgari, Shahnaz and Shafiei, Hassan. (2018). Predicting the quality of life of the elderly based on internal coherence, mindfulness and spiritual intelligence. *Journal of Positive Psychology Research*, 3(3): 74-61. [In Persian]
- Azami, Zahra. (1400). Predicting quality of life based on marital satisfaction, age at marriage, spouse selection patterns and age difference between couples in Mahshahr. *Journal of New Advances in Psychology, Educational Sciences and Education*, 4(40): 116-99.[In Persian]
- Bankipourfard, Amir Hossein; Kalantari, Mehdi and Masoudinia, Zahra. (2011). An introduction to youth marriage statistics in Iran. *Journal of Knowledge in Islamic University*, 15(3): 47-27. [In Persian]
- Behnaz, Dehshiri, Gholam Reza and Mousavi, Fatemeh. (2018). Study of changes in marital satisfaction, sexual satisfaction and subjective well-being in the first 5 years of cohabitation: trend analysis. *Journal of Counseling Research*, 17(67): 106-84. [In Persian]
- Bogdan, L., Turluc, M., & Candel, O. (2022). Transition to Parenthood and Marital Satisfaction: A Meta-Analysis. *Front Psychol*, 13 :901362. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.901362>
- Braun-Lewensohn, O., Idan, O., Lindström, B., Margalit, M. (2017). Salutogenesis: Sense of Coherence in Adolescence. In: , et al. *The Handbook of Salutogenesis*. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-319-04600-6_14.
- Bryant, V. (2022). Self-Awareness and Resilience. *Mental Health & Human Resilience International Journal*, 6(2) :1-2. <http://dx.doi.org/10.23880/mhrij-16000196>
- Bühler, J., Krauss, S., & Orth, U. (2021). Development of relationship satisfaction across the life span: A systematic review and meta-analysis. *Psychol Bull*, 147(10) :1012-1053. <https://doi.org/10.1037/bul0000342>
- Campbell, P. (2021). Lay participation with medical expertise in online self-care practices: Social knowledge (co) production in the Running Mania injury forum. *Social Science & Medicine*, 277 :113880. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2021.113880>
- Diamond, R. M., Brimhall, A. S., & Elliott, M. (2018). Attachment and relationship satisfaction among first married, remarried, and post-divorce relationships. *Journal of Family Therapy*, 40 :S111-S127. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1111/1467-6427.12161>
- Epstein, N. B., Baldwin, L. M. and Bishop, D. S. (1983). The McMaster Family Assessment Device. *Journal of Family and Marital Therapy*, 9 :171–180. <https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.1983.tb01497.x>

- Erus, S. M., & Deniz, M. E. (2020). The mediating role of emotional intelligence and marital adjustment in the relationship between mindfulness in marriage and subjective wellbeing. *Pegem Eğitim ve Öğretim Dergisi*, 10(2) :317. <https://doi.org/10.14527/pegegog.2020.011>
- Ghodrati, Shafieh; Bagheri, Shahla; Mostafavi, Maryam and Askari, Mehdi. (2018). Analyzing the meaning of divorce from the perspective of divorced women in Sabzevar. *Iranian Social Issues*, 7(2), 116-97. [In Persian]
- Ghorbani, N., Christopher, J., Cunningham, C. J. L., & Watson, P. J. (2010). Comparative analysis of integrative selfknowledge, mindfulness, and private selfconsciousness in predicting responses to stress in Iran. *International Jornal of Psychology*, 42(2) :147-154. <https://doi.org/10.1080/00207590903473768>
- Ghorbani, N., Watson, P.J., & Hargis, M. B. (2008). Integrative Self-knowledge scale:Correlations and incremental validity of a cross-cultural measure developed in Iran and United States. *Journal of Psychology: Interdisciplinary and applied*, 142(4) :095-412. <https://doi.org/10.3200/jrpl.142.4.395-412>
- Goldenberg, Irene and Goldenberg, Herbert. (2008). *Family Therapy*, translated by Hamidreza Hosseinsahi Barvati, Siamak Naqshbandi, Elham Arjomand (1401). Tehran: Rawan. [In Persian]
- Hombrados, J., & Ozcan, B. (2022). Age at marriage and marital stability: Evidence from China. *orking papers of the Max Planck Institute. Department of Social Policy, London School of Economics*. <https://doi.org/10.4054/MPIDR-WP-2022-014>
- Hosseini Birjandi, Seyed Mehdi. (2011). *Premarital Education and Counseling*, 7th edition, Tehran: Avae Noor. [In Persian]
- Hurley, B.J., Linsley, P., Stansfield, CH. (2018). *Self-awareness and empathy: foundational skills for practitioners*. Published; Routledge. P-16. <http://dx.doi.org/10.4324/9780429471094-3>
- Jahandoust Dalenjan, Susan; Alaeddini, Zohreh and Barati, Hajar. (2010). The role of achievement intelligence and emotional empathy in marital satisfaction considering the moderating role of age. *Quarterly Journal of Counseling and Psychotherapy Culture*, 11(1): 139-156. [In Persian]
- Keshavarz Afshar, Hossein; Abedini, Fatemeh; Ghawhachi Al-Husseini, Fahimeh; Asadi, Masoud and Jahanbakhshi, Zahra. (2015). The role of emotional expressiveness and demographic factors in predicting women's marital satisfaction. *Family Counseling and Enrichment Pathology*, 1(1): 59-66. [In Persian]
- Khodakarmi, B.; Masoumi, S. Zahra and Asadi, R. (2017). Study of the status and factors affecting marital satisfaction of primiparous pregnant women referring to clinics in Asadabad city in 2015-2016. *Ibn Sina Journal of Nursing and Midwifery Care*, 25(1): 52-59. [In Persian]
- Kline, R. B. (2023). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford publications.
- Lee, H. (2020). A Study on the Ego-Integrity Phenomenon of the Elderly. *Journal of the Korean Applied Science and Technology*, 37(4) :794-806. <https://doi.org/10.12925/jkocs.2020.37.4.794>
- Lerner, R. M., & Spainer. G. B. (2013). *Child influence on marital and family interaction, a life-span perspective*. New York: academic press
- Lima Silva, V., de Medeiros, C. A. C. X., Guerra, G. C. B., Ferreira, P. H. A., de Araújo Júnior, R. F., de Araújo Barbosa, S.J., & de Araújo, A. A. (2017). Quality of life, integrative

- community therapy, family support, and satisfaction with health services among elderly adults with and without symptoms of depression. *Psychiatric Quarterly*, 88(2) :359-369.
<https://doi.org/10.1007/s11126-016-9453-z>
- Lucas, David and Meyer, Paul. (1994). *An Introduction to Demographic Studies*, translated by Hossein Mahmoudian (2015), 21st edition. Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
- Masoumi, Seyedeh Zahra; Soltani, Farzaneh; Mohammadi, Younes; Shayan, Arezo; Babaheydarian, Fereshteh and Khalili, Fatemeh. (2012). Study of marital satisfaction in women referring to Hamedan health centers. *Nursing Development in Health*, 12 (1): 41-32. [In Persian]
- Mc Gee, S. L., Høltge, J., Maercker, A., & Thoma, M. V. (2018). Sense of coherence and stress-related resilience: Investigating the mediating and moderating mechanisms in the development of resilience following stress or adversity. *Frontiers in Psychiatry*, 9 :378-391.
<https://doi.org/10.3389/fpsyt.2018.00378>
- Miller, J., & Verhaeghen, P. (2022). Mind full of kindness: self-awareness, self-regulation, and self-transcendence as vehicles for compassion. *BMC Psychol*, 10(188),
<https://doi.org/10.1186/s40359-022-00888-4>
- Mirzadeh Koohshahi, F., Rezaei, A., & Najafi, M. (2019). Construction and Validation of Emotional Divorce Scale in Iranian Population. *J Pr Clin Psychol*, 7(1) :53-62.
<http://dx.doi.org/10.32598/jpcp.7.1.53>
- Osborne, JW., Costello, AB., & Kellow, JTH. (2008). Best Practices in Exploratory Factor Analysis. *Best Practices in Quantitative Methods* (pp.86-99).
<http://dx.doi.org/10.4135/9781412995627.d8>
- Pan Y, Yang Z, Han X, (2021). Family functioning and mental health among secondary vocational students during the C. OVID-19 epidemic: A moderated mediation model. *Personality and Individual Differences*, 171:110490 .
<https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.110490>
- Raley, R. K., & Sweeney, M. M. (2020). Divorce, repartnering, and stepfamilies: A decade in review. *Journal of Marriage and Family*, 82(1) :81-99 <https://doi.org/10.1111/jomf.12651>
- Rasek Jahromi, Athar; Kalani, Navid; Moqrab, Farideh and Heydari, R. (2011). Study of marital satisfaction and its related factors in women referring to the women's clinic in Jahrom city in 2019. *Journal of Qom University of Medical Sciences*, 15(8): 549-540. [In Persian]
- Rashid, Fatemeh; Kazemipourthabet, Shahla and Aghajani-Marsa, Hossein. (2019). A sociological study of the relationship between marital quality of life and demographic factors (case study: women aged 18 to 29 in Karaj). *Quarterly Journal of Social and Cultural Changes*, 17(3): 55-72. [In Persian]
- Roshani, Shohreh; Tafteh, Maryam and Khosravi, Zohreh. (2019). Meta-analysis of divorce research in Iran in the last two decades (1998-2018) and presenting strategies to reduce divorce and its negative consequences for women and children. *Women in Development and Politics*, 17(4): 574-653. [In Persian]
- Sadeghi, Rasoul; Zanjari, Nasibeh and Mahmoudiani, Serajeddin. (2018). The effect of marriage patterns on marital satisfaction and the tendency to divorce in Tehran. *Quarterly Journal of the Social Cultural Council for Women and Family*, 21(81): 45-7.
- Sanayeh, M., Nourian, M., Tajalli, S., Khoshnavay Fomani, F., Heidari, A., Nasiri, M. (2021). Resilience and Associated Factors in Mothers of Children with Congenital Heart Disease:

- A Cross-Sectional Study. *International Journal of Community Based Nursing & Midwifery*, 9(4) 336-345. <https://doi.org/10.30476/ijcbnm.2021.89691.1630>
- Seligman, M. E. & Csikzentmihalyi, M. (2014). Positive psychology: An introduction. *American Psychologist*, 55(1) 5-14 <https://doi.org/10.1037//0003-066x.55.1.5>
- Smock, P. J., & Schwartz, C. R. (2020). The demography of families: A review of patterns and change. *Journal of Marriage and Family*, 82(1) 9–34 <https://doi.org/10.1111/jomf.12612>
- Spikic, S., & Mortelmans, D. (2021). A Preliminary Meta-analysis of the Big Five Personality Traits' Effect on Marital Separation. *Journal of Divorce & Remarriage*, 62(7) 551-571. <http://dx.doi.org/10.1080/10502556.2021.1993018>
- Tosi, M., & van den Broek, T. (2020). Gray divorce and mental health in the United Kingdom. *Social science & medicine*, 256 :113030. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2020.113030>
- Valiie, Sina; Sharifi, Shahram; Kashfi, Hajar and Khanpour, Farzaneh (2010). Comparative study of personality disorders between couples seeking divorce referring to family counseling centers and couples not seeking divorce in Sanandaj. *Journal of Psychology and Psychiatry, Shaghat*, 7 (1): 29-15. [In Persian]
- Yousefi, Naser. (2012). Study of psychometric indices of McMaster Family Assessment Scales. *Educational Measurement Quarterly*, 7 (3), 112-84. [In Persian]
- Yousliani, Gholamali; Habibi, Mojtaba and Soleimani, Esmail. (2012). The relationship between undesirable disciplinary behavior and family performance, locus of control and students' self-esteem. *Journal of School Psychology*, 1(2): 114- 134. [In Persian]
- Zeng, X., & Tan, C. (2021). The Relationship between the Family Functioning of Individuals with Drug Addiction and Relapse Tendency: A Moderated Mediation Model. *Int J Environ Res Public Health*, 18(2) :625. <https://doi.org/10.3390/ijerph18020625>
- Zhang, C., & Liang, Y. (2023). The impact of education level on marital satisfaction: Evidence from China. *Social Sciences & Humanities Open*, 7(1) :100487. <https://doi.org/10.1016/j.ssaho.2023.100487>

